

(۳۰ اگست ۲۰۰۳)

خیانت از بهر قدرت

علاج درد بیدرمان کدام است
 رفیق ره تا پایان کدام است
 بود دنیا شیرین و خوب و زیبا
 وفا داریش با انسان کدام است
 کشی فواری ورنج با حفظ وجدان
 رسیدن با لب یک نان کدام است
 بود کشتار انسان روز افزون
 ز دانهائی لافند نادان کدام است
 زن مظلوم آماج بمره و سنگ
 گر انسان اینست هیوان کدام است
 زنند به هر رکاب بوسه ای پند
 ندارند غیرتی وجدان کدام است
 بنایت ها کردند این فاک فروشان
 همه آشکار بود پنهان کدام است
 گذاشتند پای بر کرسی ذلت
 حقوق آن تهی دستان کدام است



وداع

(۲ می ۲۰۰۲)

کاش می گشتم من فاک ، به فاکت مادر
 می سوزد تنم از درد فراقیت مادر
 بودم مویزود ضعیف اندر دهر
 شدم پرورده از آن شیریه ای تاکت مادر
 فیض دامنیت به من نام و نشانی بفشید
 هستم مدیون آن دامن پاکت مادر
 دامن مهتر بود منزل آسایش من
 فاک به سر باد کنم ، بر سر فاکت مادر
 گرمی آغوشت بود بهاری بر من
 گلی هستی ام چیدم ز بهارت مادر
 رفتی و جانم گردافته شد در آتش
 از کی گیرم ز کجا ، من سراغت مادر
 آفرین روز وداع لرزه انداخت بر تنم
 کاش میکشتم همان لحظه ، هلاکت مادر
 اشک ریزان به مزارت ، من آمده ام
 تازنم بوسه ای چند ، به پای فاکت مادر